

Islamic Knowledge and Insight

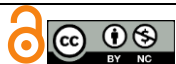
Examining the Coherence and Interconnectedness of Qur'anic Verses and Chapters with Emphasis on Intratextual Evidence

1. Mina Vahdani Banam: Department of Quran and Hadith, Za.C., Islamic Azad University, Zanjan, Iran
2. Mohammad Hosein Saain*: Department of Islamic Mysticism, Za.C., Islamic Azad University, Zanjan, Iran. (Email: mhsaeini@gmail.com)
3. Farhad Edrisi: Department of Quran and Hadith, Za.C., Islamic Azad University, Zanjan, Iran

Abstract

The issue of coherence (tanāsub) among the verses of the Holy Qur'an constitutes one of the branches of Qur'anic sciences and is regarded as one of the manifestations of the Qur'an's miraculous nature. It examines the relationships and connections among verses, chapters (sūrah), and various sections of the Qur'anic text. The aim of this study is to conduct a detailed investigation of the different forms of coherence and the intratextual evidence embedded within the structure of Qur'anic verses and chapters. The present research employs a descriptive-analytical method and, through a close examination of the Qur'anic text and the views of Qur'anic exegetes, identifies and analyzes semantic and lexical relationships. The findings indicate that the coherence among verses and chapters can be classified into two principal categories: lexical coherence (explicit relationships) and semantic coherence (implicit relationships). Within the semantic dimension, concepts such as analogy (tanẓīr), parable (tamthīl), contrast (muḍāddah), digression (istitrād), consolidation (tamkīn), and thematic resumption (taṣḍīr) play a fundamental role in establishing the internal cohesion of the text. The results of the analysis conducted on groups of chapters, including al-Ḥāmidāt, the disconnected letters (alif-lām-mīm), al-Ṭawāsīm, al-Musabbiḥāt, al-Ḥawāmīm, al-'Azā'im, and the thirtieth part (Juz' 30), reveal the existence of 50 instances of semantic coherence and 13 instances of combined lexical-semantic coherence. These findings demonstrate the structural interconnectedness of the chapters and their overarching thematic purposes. The study concludes that, contrary to the claims of some Orientalist scholars, the Holy Qur'an is not a fragmented text; rather, it possesses an internal, coherent, and purposeful organization in which each part contributes to the meaning of the whole.

Keywords: coherence (tanāsub), openings and conclusions of chapters (fawātiḥ and khawātīm), verses and chapters, lexical and semantic coherence, Qur'anic miraculously.



معرفت و بصیرت اسلامی

بررسی تناسب آیات و سور قرآن کریم با تکیه بر شواهد درون‌متنی

۱. مینا وحدانی بنام: گروه علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران
۲. محمدحسین صائینی*: گروه عرفان اسلامی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. (پست الکترونیک: mhsaeini@gmail.com)
۳. فرهاد ادریسی: گروه الهیات، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

چکیده

مسئله تناسب آیات قرآن کریم، یکی از انواع علوم قرآنی و از جلوه‌های اعجاز قرآن کریم به شمار می‌رود که به بررسی پیوندها و پیوستگی‌های میان آیات، سور و بخش‌های مختلف قرآن می‌پردازد. هدف این پژوهش، بررسی دقیق انواع تناسب و شواهد درون‌متنی موجود در ساختار آیات و سور است. پژوهش حاضر با روش «توصیفی-تحلیلی» انجام شده و با تکیه بر بررسی دقیق متن قرآن و آرای مفسران، به استخراج روابط معنایی و لفظی پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تناسب میان آیات و سور به دو دسته کلی «لفظی» (ارتباط آشکار) و «معنوی» (ارتباط غیر آشکار) تقسیم می‌شوند. در بخش معنوی، مفاهیمی نظیر تنظیر، تمثیل، مضاده، استطراد، تمکین و تصدیر نقش کلیدی در ایجاد انسجام درونی متن ایجاب می‌کنند. نتایج بررسی‌های انجام شده بر روی گروه‌هایی از سورها از جمله الحامدات، حروف مقطعه (الم)، الطواسیم، المسبحات، الحوامیم، العزائم و جزء سی، نشان‌دهنده وجود ۵۰ مورد تناسب معنایی و ۱۳ مورد تناسب لفظی-معنایی است که نشان از پیوستگی ساختاری و غرض کلی سورها دارد. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که قرآن کریم برخلاف دیدگاه برخی مستشرقان، یک متن پراکنده نیست، بلکه دارای یک نظم درونی، منسجم و هدفمند است که هر بخش از آن در خدمت معنای کل است. **کلیدواژه‌ها:** تناسب، فواتح و خوانتم، آیات و سور، لفظی و معنوی، اعجاز قرآن.

How to cite: Vahdani Banam, M., Saain, M. H., & Edrisi, F. (2027). Examining the Coherence and Interconnectedness of Qur'anic Verses and Chapters with Emphasis on Intratextual Evidence. *Islamic Knowledge and Insight*, 5(2), 1-11.

© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 21 January 2026

Revise Date: 04 June 2026

Accept Date: 21 June 2026

Initial Publish: 13 July 2026

Final Publish: 22 June 2027

شیوه استناددهی: وحدانی بنام، مینا، صائینی، محمدحسین، و ادریسی، فرهاد. (۱۴۰۶). بررسی تناسب آیات و سور قرآن کریم با تکیه بر شواهد درون‌متنی. *معرفت و بصیرت اسلامی*، ۵(۲)، ۱-۱۱.

© ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴ خرداد ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۳۱ خرداد ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۲۲ تیر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۶

مقدمه

علم تناسب، یکی از مباحث بسیار مهم و تأمل برانگیز در علوم قرآنی و تفسیر است که به دنبال کشف پیوندهای ظریف و پیچیده میان آیات، اجزای یک سوره و حتی میان سوره‌های مختلف است (Ibn al-Zubayr, 2007). این علم با هدف اثبات این حقیقت که قرآن کریم یک کتاب واحد، منسجم و دارای نظم درونی است، نه مجموعه‌ای پراکنده از کلمات و جملات، شکل گرفته است. از منظر علمی، مطالعه تناسبات به درک عمیق‌تر و جامع‌تر از وحی کمک می‌کند و یکی از راهکارهای اصلی برای مشاهده جلوه‌های اعجاز بیانی و ساختاری قرآن به شمار می‌رود.

در واقع، نظم موجود در چیدمان آیات و سوره‌ها نشان می‌دهد که هر بخش از قرآن در پیوند با بخش دیگر، معنای خود را تکمیل می‌کند. این پیوستگی، از طریق روابط معنایی و ساختاری خود را نشان می‌دهد که هر یک در خدمت «غرض سوره»؛ یعنی هدف اصلی سوره، قرار دارند.

با وجود اهمیت موضوع تناسب، پژوهشگران در طول تاریخ با چالش‌های متعددی مواجه بوده‌اند. یکی از چالش‌های اصلی، فقدان پژوهش‌های جامع و یکپارچه در این زمینه است که به شکلی سیستماتیک تمام جنبه‌های تناسب را در تفاسیر دو مکتب؛ یعنی تفاسیر فریقین، بررسی کند. از سوی دیگر، برخی از مستشرقان غربی مانند ریچارد بل و آرتور جان آربری در دیدگاه‌های خود نسبت به انسجام درونی قرآن تردیدهایی مطرح کرده‌اند که نیازمند پاسخگویی علمی بر پایه شواهد درون‌متنی است.

مسئله اصلی این پژوهش، استخراج و اثبات پیوندهای موجود میان «فواتح»؛ یعنی آغاز سوره‌ها، و «خواتم»؛ یعنی پایان سوره‌ها، و

همچنین پیوند میان آیات یک سوره با ابتدای آن است. همچنین، بررسی این مسئله که آیا چیدمان آیات صرفاً امری قراردادی است یا «توقیفی»؛ یعنی تعیین شده از سوی معصوم، از محورهای اصلی بیان این مسئله می‌باشد. با توجه به اینکه تغییر در ترتیب آیات نمی‌تواند علتی جز توقیف داشته باشد، بررسی تناسبات، دریچه‌ای برای درک تدوین الهی متن باز می‌کند (Ibn al-Zubayr, 2007).

پیشینه پژوهش

تاریخچه و سیر تطور علم تناسب

پیش از بررسی پژوهش‌های معاصر، لازم است مروری اجمالی بر تاریخچه شکل‌گیری علم تناسب و نظم قرآن داشته باشیم. اگرچه برخی مفسران در طول تاریخ با رویکردی جزءنگر به تفسیر آیات پرداخته‌اند، اما دانشمندان بسیاری با تکیه بر اصل «تناسب» و همبستگی آیات و سوره، به معانی عمیق‌تری دست یافته‌اند. به گزارش زرکشی در «البرهان»، نخستین کسی که علم تناسب را در بغداد آشکار ساخت، ابوبکر نیشابوری، در قرن ۴ ق، بود. وی بر منبر می‌گفت: «دلیل قرار گرفتن این آیه در کنار آیه دیگر چیست و حکمت واقع شدن این سوره در کنار سوره دیگر کدام است؟» و بر عدم اطلاع علمای بغداد از این علم خرده می‌گرفت. پس از او، عبدالقاهر جرجانی، متوفای ۴۷۱ ق، در کتاب «دلائل الإعجاز»، مباحث آغازین علم تناسب را در سایه نظریه «نظم» بنیان نهاد.

سیر تاریخی مفسران و آثار آن‌ها در علم تناسب

پس از بنیان‌گذاری این علم، مفسران در طول قرون متمادی به تبیین تناسب آیات و سوره پرداختند. برای جلوگیری از اطاله کلام و ارائه دقیق‌تر اطلاعات، آثار و سال وفات این مفسران در دو جدول مجزا، متقدمین/میانی و معاصرین، دسته‌بندی شده است:

جدول ۱. مفسران متقدم و میانی و آثار آن‌ها در حوزه تناسب

ردیف	نام مفسر	سال وفات	نام اثر و محور توجه به تناسب
۱	ابو اسحاق احمد ثعلبی	۴۲۷ ق	تفسیر الکشف و البیان
۲	فضل بن حسن طبرسی	۵۴۸ ق	تفسیر مجمع البیان؛ تحت عنوان النظم
۳	فخرالدین رازی	۶۰۶ ق	تفسیر مفاتیح الغیب؛ تحت عنوان وجه نظم

۴	عبدالواحد زملکانی	۶۵۱ ق	نهایه التأویل؛ با توجه به علم تناسب
۵	ابن أبی اصبع	۶۵۴ ق	بدائع القرآن و الکواکب الدرّیه
۶	احمد بن زبیر غرناطی	۷۰۸ ق	البرهان فی مناسبه ترتیب الآیات و السور
۷	أبو حیان اندلسی	۷۴۵ ق	تفسیر البحر المحیط
۸	بدرالدین زرکشی	۷۹۴ ق	البرهان فی علوم القرآن؛ فصلی از علم تناسب
۹	برهان‌الدین بقاعی	۸۸۵ ق	نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور
۱۰	ابوالسعود عبادی	۹۸۲ ق	إرشاد العقل السليم
۱۱	جلال‌الدین سیوطی	۹۱۱ ق	مراصد المطالع، تناسق الدرر و الاتقان
۱۲	ابوالفیض کاشانی (الناکوری)	۱۰۰۴ ق	تفسیر سواطع الإلهام
۱۳	عبدالله صدیق غماری	۱۳۵۳ ق	جواهر البیان فی تناسب سور القرآن
۱۴	سید محمود آلوسی	۱۲۷۰ ق	تفسیر روح المعانی

جدول ۲. مفسران و پژوهشگران معاصر و آثار آن‌ها در حوزه تناسب

ردیف	نام مفسر / پژوهشگر	سال وفات	نام اثر و محور توجه به تناسب
۱	شیخ محمد عبده	۱۹۰۵ م	تفسیر المنار؛ طرح مسئله الوحده الموضوعیه
۲	سید قطب	۱۹۶۶ م	فی ظلال القرآن؛ ساختار هندسی قرآن
۳	محمد عزه دروزه	۱۹۸۴ م	التفسیر الحديث؛ غرض سوره و ترتیب نزول
۴	عبدالله دراز	۱۹۵۸ م	النبا العظیم و المدخل إلى القرآن
۵	محمد طاهر بن عاشور	۱۹۷۳ م	تفسیر التحریر و التنویر؛ أغراض السوره
۶	محمود شلتوت	۱۹۶۳ م	إلى القرآن و تفسیر القرآن الکریم
۷	مناع القطان	۲۰۰۰ م	مباحث فی علوم القرآن
۸	محمد سید طنطاوی	۲۰۱۰ م	التفسیر الوسيط
۹	سید محمد حسین فضل‌الله	۲۰۱۰ م	تفسیر من وحی القرآن؛ فی أجواء السوره
۱۰	وهبه الزحیلی	۲۰۱۵ م	التفسیر المنیر
۱۱	سید عبدالحجه بلاغی	۱۳۵۲ ش	حجّه التفاسیر؛ فهرست‌بندی و عنوان‌گذاری آیات
۱۲	سید محمد حسینی شیرازی	۱۳۸۲ ق	تقریب القرآن إلى الأذهان
۱۳	محمد جواد مغنیه	۱۳۹۹ ق	التفسیر الکاشف
۱۴	علامه طباطبایی	۱۳۶۰ ش	تفسیر المیزان؛ تحت عنوان بیان
۱۵	آیت‌الله هادی معرفت	۱۳۸۶ ش	التمهید فی علوم القرآن
۱۶	ناصر مکارم شیرازی	معاصر	تفسیر نمونه
۱۷	عبدالکریم بی‌آزار شیرازی	معاصر	تفسیر کاشف، قرآن ناطق و میثاق در قرآن
۱۸	مهدی بازرگان	۱۳۷۳ ش	نظم القرآن
۱۹	محمود طالقانی	۱۳۵۸ ش	تفسیر پرتویی از قرآن
۲۰	اکبر هاشمی رفسنجانی	۱۳۹۵ ش	تفسیر راهنما

۲۱	عبدالله جوادی آملی	معاصر	تفسیر تسنیم
۲۲	عبدالهادی فقهی زاده	معاصر	پژوهشی در نظم قرآن
۲۳	عباس همایی	معاصر	چهره زیبای قرآن
۲۴	سید علی ایازی	معاصر	چهره پیوسته قرآن
۲۵	محمد خامه گر	معاصر	ساختار هندسی سوره های قرآن
۲۶	علیرضا صدرالدینی	معاصر	کلیدهای فهم قرآن
۲۷	محمدعلی گرامی	معاصر	شناخت قرآن

پژوهش های دانشگاهی؛ مقالات و پایان نامه ها

علاوه بر کتب تفسیری، پژوهش های دانشگاهی متعددی نیز به واکاوی ابعاد مختلف این موضوع پرداخته اند که در ادامه به مهم ترین آن ها اشاره می شود:

الف) مقالات: پژوهشگران در قالب مقالات علمی به جنبه های مختلفی از این علم پرداخته اند؛ از جمله: مقاله «البحوث أضواء علی ظهور علم المناسبه» اثر الانیس عبدالحکیم؛ «رهیافت وحدت موضوعی سوره های قرآن در الالاساس فی التفسیر» از سید علی آقایی؛ «تناسب الآیات و السور» از مرتضی ابروانی؛ «تناسب و ارتباط میان

سوره های قرآن» از حسن خرقانی؛ «تناسب آیات» از محمد هادی معرفت؛ «ارتباط و تناسب آیات در قرآن» از عبدالکریم بی آزار شیرازی؛ «پیوند معنایی میان سوره های قرآن کریم» از سید عباس صالحی و «نظریه هدفمندی سوره ها؛ مبانی و پیشینه» از محمد خامه گر.

ب) پایان نامه ها: در حوزه پژوهش های دانشگاهی نیز آثاری به رشته تحریر درآمده است که مهم ترین آن ها همراه با سال دفاع و دستاوردهای کلیدی، در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۳. پیشینه پژوهش های دانشگاهی؛ پایان نامه ها

ردیف	عنوان پایان نامه	پژوهشگر	سال دفاع	دستاوردها و نتایج کلیدی
۱	نقش ارتباط آیات سوره ها در شکل گیری اهداف و مقاصد آن از دیدگاه علامه طباطبایی	زهرا محسن پور	۱۳۸۸	نشان داده است که علامه برای برقراری ارتباط، از پیوند اجزای هر آیه تا تبیین هدف سوره را مطرح کرده اند.
۲	بررسی تطبیقی ادله موافقان و مخالفان تناسب و وحدت موضوعی آیات و سور قرآن	مصطفی صلواتی	۱۳۸۹	اثبات کرده است که موافقان بر توقیفی بودن ترتیب و مخالفان بر اجتهادی بودن آن استوارند.
۳	پیوستگی معنایی آیات در سور قرآن کریم و راه های مطالعه آن	مهدی مطیع	۱۳۷۹	به این نتیجه رسیده که تناسب و پیوستگی قرآن، بی ربط به نوع جمع آوری و مصحف شدن آن نیست.
۴	بررسی تطبیقی تناسب آیات و سور از دیدگاه علامه طباطبایی و بقاعی	زینب فرید	۱۳۹۲	نشان داد که مبنای بقاعی توقیفیت نظم قرآن و مبنای علامه وحدت سیاق است.
۵	تناسب آیات ابتدایی و انتهایی سوره های قرآن کریم با تأکید بر نظر آیت الله معرفت	سعید قبادی	۱۳۹۷	نتیجه گرفته است که ترتیب موجود سوره ها اجتهادی و بر اساس مناسبت هایی مانند طول و قصر آن ها توسط صحابه انجام شده است.
۶	بررسی مبانی تناسب آیات در سوره ها	محمد برزگر	۱۳۹۰*	بر ضرورت بازشناسی جامع سوره ها به عنوان مدخلی برای درک اعجاز قرآن و گسترش دامنه علم تناسب به تمام اجزای سوره تأکید کرده است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با هدف بررسی پیوندهای میان آیات و سوره‌های قرآن کریم، از نظر ماهیت، یک پژوهش توصیفی-تحلیلی است. در این راستا، پژوهشگر نه تنها به توصیف انواع تناسبات، لفظی و معنوی، بسنده کرده، بلکه با رویکردی تحلیلی به تبیین چگونگی ایجاد انسجام درونی در متن وحی پرداخته است. تمرکز اصلی بر شناسایی الگوهای پیوند میان «فواتح»؛ یعنی آغاز، و «خواتم»؛ یعنی پایان سوره‌ها، و بررسی نقش آن‌ها در تبیین غرض اصلی سوره است.

روش استخراج و تحلیل داده‌ها

روش کار در این مطالعه بر پایه استخراج و تحلیل درون‌متنی استوار است. پژوهشگر با تمرکز بر تفاسیر معتبر، با تأکید بر تفاسیر فریقین، نمونه‌های متنوعی از تناسبات را از میان آیات قرآن کریم برگزیده است. فرآیند تحلیل شامل دو مرحله اصلی است: نخست، شناسایی نوع تناسب، از طریق تفکیک میان روابط لفظی و روابط معنایی نظیر تمثیل، تنظیر و تمکین، و دوم، تبیین نحوه عملکرد این تناسب در ایجاد ساختار منسجم برای سوره.

جامعه مورد مطالعه و دامنه پژوهش

دامنه پژوهش در این پژوهش، بررسی طیفی از سوره‌های قرآن کریم است که به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: سوره‌های دارای حروف مقطعه، مانند «الم»، سوره‌های الحامدات، الطواسیم، المسبحات، الحوامیم و العزائم، و همچنین بررسی جامع جزء سی قرآن. این دامنه گسترده به پژوهشگر اجازه داده است تا شواهد متعددی را جهت اثبات وجود نظم درونی قرآن، از جمله ۵۰ مورد تناسب معنایی و ۱۳ مورد تناسب لفظی-معنایی، گردآوری و تحلیل نماید.

انواع تناسب آیات و سوره

بر اساس یافته‌های حاصل از بررسی متن، تناسبات قرآنی را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

تناسب لفظی؛ ارتباط آشکار

تناسب لفظی نوعی از پیوند است که در ظاهر و ساختار کلامی آیات مشهود است. این نوع تناسب شامل موارد زیر می‌شود:

- تأکید بر معنای آیه قبل: زمانی که آیه جدید، معنای آیه پیشین را تقویت می‌کند.
- ارتباط صفت و موصوف: مانند استفاده از یک صفت برای توصیف مفهومی که در آیه قبل مطرح شده است.
- ارتباط واژگانی: استفاده از کلمات هم‌خانواده یا هم‌معنی برای حفظ موسیقی و انسجام کلامی (Ibn al-Zubayr, 2007).

تناسب معنوی؛ ارتباط غیر آشکار

این دسته از پیچیده‌ترین و ظریف‌ترین انواع تناسب است که نیاز به دقت بالایی در تحلیل معنا دارد. تناسب معنوی از طریق روش‌های زیر ایجاد می‌شود:

- تنظیر و تمثیل: استفاده از مشابهات برای تبیین یک حقیقت یا برقراری شباهت میان دو مفهوم.
- تضاد؛ تضاد: بیان یک مفهوم در مقابل مفهوم دیگر برای روشن‌تر شدن معنا، مانند بیان خیر و شر.
- استطراد: خروج از بحث اصلی برای ورود به بحثی مرتبط که در نهایت به موضوع اصلی بازمی‌گردد.
- تمکین: زمانی که یک آیه یا بخش از سوره، زمینه را برای پذیرش و استقرار معنای آیه بعدی فراهم می‌کند.
- تصدیق: این یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم است؛ یعنی استفاده از بخش ابتدایی سوره برای بازگشت و تکمیل معنا در بخش پایانی سوره (Ibn Abi al-Isba, 1989).

علاوه بر این، انواع دیگر از پیوندها شامل «تأکید ماسبق»، «تبیین مجمل»؛ یعنی تبیین یک مطلب کلی در آیه بعدی، و «تقید مطلق» نیز می‌باشد که همگی در جهت ایجاد یک شبکه درونی از معنا هستند.

یافته‌ها و تحلیل تفصیلی

در این بخش، به کالبدشکافی دقیق پیوندهای میان آیات و سوره می‌پردازیم. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که انسجام قرآن کریم صرفاً یک پیوستگی سطحی نیست، بلکه یک شبکه پیچیده از روابط

است که در سه سطح ساختاری، لفظی؛ معنایی، معنوی؛ و غرضی، هدفمند، جریان دارد.

تحلیل ساختاری و لفظی؛ ارتباطات آشکار

بر اساس استخراج از متن رساله، تناسبات لفظی از طریق الگوهای زیر در متن قرآن مشهود است:

• التقابل و تضاد لفظی: در بسیاری از آیات، برای تثبیت معنا، از واژگانی استفاده شده که در تقابل با واژه یا مفهوم آیه قبل هستند. این تضاد، نه تنها باعث پراکندگی نمی‌شود، بلکه از طریق ایجاد تعادل در ذهن مخاطب، پیوستگی معنایی را تقویت می‌کند.

• تکرار و تأکید؛ تأکید ماسبق: در برخی سوره‌ها، کلمات یا مفاهیم کلیدی که در ابتدای سوره مطرح شده‌اند، در آیات میانی یا پایانی با عباراتی متفاوت تکرار می‌شوند تا بر اهمیت موضوع تأکید شود. این تکرار، پیوند لفظی مستحکمی میان بخش‌های مختلف سوره برقرار می‌کند.

• ارتباط صفت و موصوف در گستره آیات: گاهی یک صفت در آیه نخست، در آیات بعدی به صورت مفصل و با جزئیات بیشتری برای موصوف خود باز می‌شود که این امر، پیوند لفظی-معنایی عمیقی را ایجاد می‌کند (Ibn al-Zubayr, 2007).

تحلیل معنایی و مفهومی؛ ارتباطات غیر آشکار و عمیق

بخش عمده‌ای از یافته‌های این پژوهش، ۵۰ مورد شناسایی شده، مربوط به این سطح است. در این سطح، پیوندها با چشم غیر مسلح دیده نمی‌شوند، بلکه با تحلیل عمیق «غرض سوره» کشف می‌گردند:

• تحلیل مفهوم «تمکین» در انسجام آیات: یافته‌ها نشان می‌دهد که آیات قرآن به گونه‌ای در کنار هم قرار گرفته‌اند که هر آیه، «تمکین» لازم برای آیه بعدی را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، آیه پیشین، فضای ذهنی و معنایی لازم را برای پذیرش مطلب آیه بعدی آماده می‌سازد. این فرآیند باعث می‌شود متن قرآن مانند یک زنجیره متصل به نظر برسد که گسست در آن غیرممکن است.

• نقش «تصدیر» در پیوند فواتح و خواتم: یکی از برجسته‌ترین یافته‌ها، نقش برجسته «تصدیر» است. در بسیاری از سوره‌ها،

موضوعی که در فواتح، آغاز سوره، مطرح می‌شود، در خواتم، پایان سوره، به شکلی نهایی و جامع بازگشت می‌کند. این بازگشت، سوره را از یک مجموعه آیات پراکنده به یک «واحد معنایی بسته» تبدیل می‌کند.

• استفاده از «تنظیر» و «تمثیل» برای پیوند معنایی: پژوهش نشان می‌دهد که برای انتقال از یک بحث اعتقادی، مانند توحید، به یک بحث عملی، مانند احکام، از تمثیل‌ها استفاده شده است. این تمثیل‌ها، پل ارتباطی میان مفاهیم انتزاعی و واقعیت‌های ملموس هستند و از این طریق، پیوند معنایی میان آیات را حفظ می‌کنند.

تحلیل گروه‌های سوره‌ای؛ مطالعه موردی

برای اثبات صحت یافته‌ها، گروه‌های خاصی از سوره‌ها مورد بررسی قرار گرفتند که هر کدام الگوی خاصی از تناسب را نشان می‌دهند:

۱. گروه الحوامیم؛ سوره‌هایی که با «حم» آغاز می‌شوند: بررسی این سوره‌ها نشان داد که واژه «حم» در آغاز، نه تنها یک حرف مقطعه، بلکه حامل یک مفهوم کلی است که در تمام آیات این سوره‌ها تکرار و تبیین می‌شود. این سوره‌ها دارای یک «غرض واحد» هستند که از اولین آیه تا آخرین آیه، تمام جزئیات آن در خدمت آن غرض است.

۲. گروه المسبحات و الحامدات: در این گروه‌ها، تناسب میان آیات با استفاده از روش‌های «تبیین مجمل» بسیار قوی است. یعنی در آغاز، یک حقیقت کلی بیان شده و در ادامه، با استفاده از آیات مختلف، ابعاد مختلف آن حقیقت روشن می‌شود.

۳. گروه حروف مقطعه، مانند «الم»: یافته‌ها نشان می‌دهد که این حروف، از نظر معنایی با موضوعات اصلی سوره پیوند دارند و نوعی از تناسب «ساختاری-معنایی» را ایجاد می‌کنند که مخاطب را برای دریافت پیام اصلی سوره آماده می‌کند (Ibn al-Zubayr, 2007).

اثبات رابطه میان «آغاز سوره» و «محتوای میانی»

- برخلاف برخی دیدگاه‌ها که گمان می‌کنند آیات میان فواتح و خواتم، صرفاً تکرار یا مطالب پراکنده هستند، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که:
- آیات فواتح، «نقشه راه» سوره هستند: هر آنچه در آغاز سوره مطرح می‌شود، در واقع چارچوب موضوعی سوره را تعیین می‌کند.
 - آیات میانی، «توسعه و تفصیل» هستند: تمامی بحث‌های میانی سوره، در واقع شرح و بسط همان مفاهیم ابتدایی هستند و هیچ آیه‌ای خارج از این چارچوب قرار ندارد. این نشان می‌دهد که نظم آیات، یک نظم «غرض‌محور» است.

جدول ۴. فهرست نمونه‌های تناسب آیات و سوره در قرآن کریم

ردیف	نام سوره	عبارت/آیات شاخص؛ فواتح	نوع تناسب	صفحه
۱	شمس	والشمس وضحها ...	لفظی-معنوی	۱۸۳
۲	لیل	واللیل إذا يغشى ...	معنوی	۱۸۳
۳	ضحی	والضحی ...	معنوی	۱۸۳
۴	شرح	ألم نشرح لك صدرك ...	معنوی	۱۸۳
۵	تین	والتين والزيتون ...	معنوی	۱۸۳
۶	علق	اقرأ باسم ربك الذي خلق ...	لفظی-معنوی	۱۸۳
۷	قدر	إنا أنزلناه في ليلة القدر ...	معنوی	۱۸۴
۸	بینه	لم يكن الذين كفروا ...	لفظی-معنوی	۱۸۴
۹	زلزله	إذا زلزلت الأرض زلزالها ...	معنوی	۱۸۴
۱۰	عادیات	والعادیات ضبجا ...	معنوی	۱۸۴
۱۱	قارعه	القارعة. ما القارعة ...	معنوی	۱۸۴
۱۲	تکاثر	ألهاكم التكاثر ...	معنوی	۱۸۴
۱۳	عصر	والعصر ...	معنوی	۱۸۵
۱۴	همزه	ويل لكل همزة لمزة ...	معنوی	۱۸۵
۱۵	فیل	ألم تر كيف فعل ربك ...	معنوی	۱۸۵
۱۶	قریش	لإيلاف قریش ...	معنوی	۱۸۵
۱۷	معاون	أرأيت الذي يكذب بالدين ...	معنوی	۱۸۵
۱۸	کوثر	إنا أعطيناك الكوثر ...	معنوی	۱۸۵
۱۹	کافرون	قل يا أيها الكافرون ...	لفظی-معنوی	۱۸۵
۲۰	نصر	إذا جاء نصر الله والفتح ...	معنوی	۱۸۵
۲۱	مسد	تبت يدا أبي لهب ...	معنوی	۱۸۵
۲۲	اخلاص	قل هو الله أحد ...	لفظی-معنوی	۱۸۶
۲۳	فلق	قل أعوذ برب الفلق ...	معنوی	۱۸۶
۲۴	ناس	قل أعوذ برب الناس ...	لفظی-معنوی	۱۸۶

«بررسی آماری نمونه‌های استخراج‌شده در رساله نشان می‌دهد که غالبیت قریب به اتفاق سوره‌ها، حدود ۸۰٪ دارای تناسب معنوی هستند که نشان‌دهنده پیوند عمیق میان شروع سوره و غرض آن است. همچنین، وجود تناسبات لفظی-معنوی در سوره‌هایی نظیر شمس، علق، بینه، کافرون، اخلاص و ناس، گویای آن است که در برخی موارد، نظم قرآن هم‌زمان بر دو سطح «ساختار لفظی» و «محتوای معنایی» حاکم است که نشان‌دهنده اوج اعجاز و انسجام درونی متن وحی می‌باشد.»

نتیجه‌گیری

۱- تناسب آیات و سور قرآن کریم مورد توجه محققان و مفسران بوده است. برخی آن را قبول داشته و قائل به توقیفی بودن نظم سور و آیات قرآن هستند، ولی عده‌ای به عدم توقیفی بودن آن قائل هستند و آن را بر مبنای وحدت سیاق می‌دانند و برخی نیز قول به تفصیل را مطرح نمودند.

۲- بسیاری از مفسران بزرگ شیعه، به اصل تناسب در آیات و سور قرآن اعتقاد داشته و در تفاسیر خود به این موضوع پرداخته‌اند. این مفهوم، نشان‌دهنده وحدت، انسجام و پیام یکپارچه کلام الهی است. ۳- در تفسیر نمونه، توجه به تناسب آیات و انسجام معنایی در سوره‌ها، خصوصاً در تناسب فواتح با خواتم سور، به طور گسترده‌ای دیده می‌شود.

۴- اکثریت مفسران و پژوهشگران علوم قرآنی معتقدند که ترتیب آیات قرآن در سور، به دستور و اشراف پیامبر(ص) تنظیم شده و توقیفی بودن ترتیب آیات امری است که با اشاره خداوند انجام گرفته است؛ همچون سیوطی، سید قطب، زمخشری، فخر رازی، دراز، جوادی آملی و...

۵- عده‌ای دیگر از محققان و پژوهشگران علوم قرآنی ترتیب بین سوره‌ها را به اجتهاد و رأی صحابه می‌دانند و بحث در این رابطه را امری تکلف‌آور و بیهوده می‌دانند؛ از جمله: صبحی صالح، شوکانی، معرفت و...

۶- علامه طباطبایی، در بحث تناسب آیات و سور، قائل به تفصیل می‌باشد، به این معنی که ترتیب سوره اجتهادی و ترتیب اکثر آیات را توقیفی و تنها ترتیب بعضی آیات را به دلیل عدم وحدت سیاق، اجتهادی می‌داند و معتقدند هر سوره قرآن، وحدت موضوعی خاصی دارد و آیات آن در جهت تبیین و بسط همان موضوع به کار رفته‌اند. او این تناسب را یکی از دلایل مهم اعجاز قرآن می‌داند.

۷- توقیفی بودن جمع و ترتیب آیات و سوره‌های قرآن کریم، از مبانی تناسب بین اجزای قرآن کریم است.

۸- در این پژوهش، جمعاً ۴۵۸ آیه در ۶۵ سوره از قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته است که از میان سوره‌های مورد بحث، ۵۰ سوره دارای تناسب معنوی و ۱۳ سوره دارای تناسب از نوع لفظی-معنوی می‌باشد.

پیشنهادهات

۱- بررسی رابطه آیات سوره‌ها با سوره‌های هم‌گروه از نظر لفظی و معنوی.

۲- بررسی موردی نظرات مفسران در رابطه با فواتح با خواتم سوره‌های قرآن و نتایج حاصل از آن.

۳- بررسی تطبیقی نظرات مفسران فریقین در موضوع تناسب سوره‌های قرآن کریم.

۴- بررسی تناسب میان آغاز سوره با محتوا و پیام کل سوره‌های قرآن.

۵- الزام رویکرد نوین به تفاسیر مختلف از جمله تفسیر المیزان و استخراج روش‌های کاربردی در مبحث تناسب آیات.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The science of *tanāsub* (coherence and interconnectedness) constitutes one of the most significant and intellectually stimulating branches of Qur'anic studies, devoted to uncovering the intricate relationships that exist among verses, chapters, and broader textual units of the Holy Qur'an. Far from viewing the Qur'an as a collection of isolated statements, scholars of *tanāsub* have argued that the divine text possesses an organic structure in which every verse contributes to a comprehensive and unified message. The foundations of this discipline emerged gradually within the classical exegetical tradition and were later developed into a distinct field of inquiry by scholars who sought to explain the internal harmony of revelation. Early discussions concerning the arrangement of verses and chapters were associated with broader theories of *naẓm* (textual organization), and over time they evolved into systematic analyses of the relationships linking the beginnings and endings of chapters, adjacent verses, thematic sequences, and structural patterns throughout the Qur'an. Classical authorities emphasized that the placement of verses is neither arbitrary nor accidental, but reflects a deliberate divine order that contributes to the rhetorical, theological, and literary excellence of the Qur'an. Consequently, the study of coherence became closely connected to the doctrine of Qur'anic inimitability (*i'jāz*), since the discovery of meaningful textual relationships provides evidence of a sophisticated structure that exceeds ordinary human composition (al-Rafi'i, 1973; Ibn al-Athir, 1971; Ibn al-Zubayr, 2007). Numerous exegetes, linguists, and scholars of rhetoric, including Ibn al-Zubayr, Abu Hayyan, Ibn Ashur, Alusi, and others, contributed substantially to the theoretical and practical development of this field by identifying diverse forms of semantic and lexical correspondence throughout the Qur'anic text (Abu Hayyan, 1999; Alusi, 1995; Ibn Ashur, 1999). The present study is situated within this scholarly tradition and seeks to investigate the various manifestations of coherence within Qur'anic

chapters through an examination of internal textual evidence and structural relationships.

The significance of the topic becomes particularly evident in light of modern debates regarding the unity of the Qur'an. While many Muslim scholars have consistently defended the existence of a profound and purposeful textual order, some Western Orientalist approaches have questioned the coherence of the Qur'anic structure and portrayed the text as fragmented or loosely organized. Such claims have generated renewed interest in demonstrating the existence of thematic and structural unity through rigorous textual analysis. The central problem addressed in this study concerns the relationship between the *fawātiḥ* (chapter openings), the *khawātim* (chapter endings), and the intervening verses that connect these two poles of meaning. Furthermore, the study examines whether the arrangement of verses and chapters reflects a divinely guided and fixed order or whether it emerged through later editorial processes. Scholars who advocate the principle of *tawqīf* maintain that the organization of Qur'anic verses originated under prophetic supervision and divine instruction, thereby making the discovery of coherence an important avenue for understanding the revealed nature of the text. In contrast, other scholars have emphasized contextual and thematic continuity without necessarily grounding their arguments in a strict doctrine of divinely determined arrangement. Regardless of these differences, the majority of exegetical works reveal sustained attention to textual interconnectedness and thematic progression, indicating that the concept of coherence occupies a central position in Qur'anic interpretation (Abu al-Futuh al-Razi, 1988; al-Hawwa, 1989; Ibn al-Zubayr, 2007). The theoretical foundations of coherence are also reinforced by linguistic analyses found in classical Arabic scholarship, where lexical relationships, semantic fields, rhetorical transitions, and patterns of textual correspondence are viewed as essential components of eloquent discourse (Ibn Faris, 1979; Ibn Manzur, 1994; Ibn Qutaybah, 1981).

This research employed a descriptive-analytical methodology grounded in close textual examination of Qur'anic verses and chapters. Rather than relying on external historical reconstruction, the study focused primarily on intratextual evidence and the interpretive insights of authoritative exegetical traditions. The analytical framework was designed to identify both explicit and implicit forms of coherence and to classify them according to their structural and semantic characteristics. Particular attention was devoted to the relationships between chapter openings and endings, the thematic development of chapters, and the mechanisms through which successive verses contribute to a unified discourse. The corpus examined in the study included several major groups of chapters traditionally recognized by Qur'anic scholars, including the *al-Ḥamidāt*, *al-Musabbiḥāt*, *al-Ḥawāmīm*, *al-Ṭawāsīm*, chapters beginning with disconnected letters such as *Alif-Lām-Mīm*, the *al-'Azā'im*, and the chapters contained within the thirtieth part (*Juz' 30*) of the Qur'an. Through a process of systematic comparison and textual interpretation, instances of coherence were extracted and categorized. The study drew upon the methodological insights of major exegetes whose works contain extensive discussions of thematic unity, rhetorical correspondence, and textual organization, including Ibn al-Zubayr, Abu Hayyan, Ibn Ashur, Alusi, Ibn Arabi, Amin, and others (Abu Hayyan, 1999; Alusi, 1995; Amin, 2010; Ibn al-Zubayr, 2007; Ibn Arabi, 1990; Ibn Ashur, 1999). This methodological approach enabled the identification of recurring structural patterns and facilitated a comprehensive understanding of the ways in which coherence functions throughout the Qur'anic text. The findings indicate that Qur'anic coherence can be divided into two principal categories: lexical coherence and semantic coherence. Lexical coherence refers to explicit textual relationships that can be observed through recurring vocabulary, parallel expressions, syntactic correspondences, descriptive associations, and rhetorical repetition. Such patterns create visible links among verses and

reinforce thematic continuity across broader textual units. Semantic coherence, by contrast, operates at a deeper interpretive level and frequently requires contextual analysis to be recognized. Several important mechanisms of semantic coherence were identified, including analogy (*tanzīr*), exemplification (*tamthīl*), contrast (*muḍāddah*), digression (*istiṭrād*), consolidation (*tamkīn*), and thematic return (*taṣdīr*). These mechanisms allow verses and chapters to maintain conceptual unity even when discussing diverse subjects or shifting between narrative, theological, legal, and ethical themes. The analysis demonstrated that semantic coherence constitutes the dominant form of interconnectedness within the Qur'an and frequently serves as the underlying principle governing chapter structure. Particularly significant was the role of *taṣdīr*, whereby themes introduced at the beginning of a chapter reappear in transformed or completed form at its conclusion, thereby creating a circular structure that reinforces thematic closure and unity. Similarly, the principle of *tamkīn* was found to facilitate progressive development of meaning by preparing the conceptual foundation necessary for subsequent verses. These findings correspond closely with observations made by classical scholars who emphasized the importance of rhetorical and thematic relationships in the construction of Qur'anic discourse (Abu Hayyan, 1999; al-Hawwa, 1989; Ibn Abi al-Isba, 1989; Ibn al-Athir, 1971).

A detailed examination of specific chapter groups provided further evidence for the existence of systematic coherence. The *Ḥawāmīm* chapters, for example, exhibited a remarkable degree of thematic integration, with their opening formulas serving as conceptual gateways to recurring discussions concerning revelation, divine authority, and human accountability. Likewise, the *Musabbiḥāt* and *Ḥamidāt* displayed strong internal relationships in which introductory declarations established overarching themes that were subsequently elaborated throughout the chapters. The analysis of chapters beginning with

disconnected letters revealed that these opening elements are not isolated symbols devoid of textual function but participate in broader semantic structures that prepare readers for the principal themes of the chapter. Examination of the thirtieth part of the Qur'an yielded particularly significant results, demonstrating that even relatively short chapters possess carefully constructed relationships between their openings, central themes, and conclusions. Overall, the study identified fifty instances of semantic coherence and thirteen instances of combined lexical-semantic coherence across the corpus examined. Statistical observation of the extracted examples suggests that approximately eighty percent of the analyzed chapters exhibit predominantly semantic forms of interconnectedness, indicating that the deepest dimensions of Qur'anic unity operate through conceptual and thematic relationships rather than merely lexical repetition. These findings strongly support the positions of exegetes who viewed chapter structure as purposeful, integrated, and oriented toward the realization of a coherent thematic objective (Abu al-Futuh al-Razi, 1988; Alusi, 1995; Ibn al-Zubayr, 2007; Ibn Ashur, 1999).

In conclusion, the results of this study demonstrate that the Holy Qur'an possesses a highly sophisticated and coherent internal structure characterized by extensive relationships among verses, chapter openings, chapter endings, and overarching thematic objectives. The evidence gathered through textual analysis reveals that Qur'anic chapters function as integrated semantic units whose individual components contribute to a unified communicative purpose. The predominance of semantic coherence, together with the presence of lexical-semantic correspondences, confirms that the arrangement of Qur'anic discourse is neither random nor fragmented. Rather, the Qur'an exhibits a deliberate organizational framework in which every textual element participates in the articulation of a broader message. The findings therefore provide substantial support for the view that coherence

constitutes a fundamental characteristic of Qur'anic composition and an important dimension of its literary and theological uniqueness. By demonstrating the interconnected nature of Qur'anic chapters and verses, this study contributes to a deeper understanding of the structural integrity of the Qur'an and highlights the importance of coherence studies as a valuable approach for contemporary Qur'anic scholarship.

References

- Abu al-Futuh al-Razi, H. i. A. (1988). *Rawd al-Jinan wa Ruh al-Janan fi Tafsir al-Qur'an*. Astan Quds Razavi.
- Abu Hayyan, M. i. Y. (1999). *Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir*. Dar al-Fikr.
- al-Hawwa, S. (1989). *Al-Asas fi Tafsir al-Qur'an*. Dar al-Ilm.
- al-Rafi'i, M. S. (1973). *I'jaz al-Qur'an wa al-Balaghah al-Nabawiyyah*. Dar al-Kitab al-Arabi.
- Alusi, M. i. A. (1995). *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azim wa al-Sab' al-Mathani*. Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Amin, N. B. (2010). *Makhzan al-Irfan fi Tafsir al-Qur'an*. Golha Publishing.
- Ibn Abi al-Isba, A. a.-A. i. A. a.-W. (1989). *Badi' al-Qur'an* (A. Mirlouhi, Trans.). Astan Quds Razavi.
- Ibn al-Athir, N. i. M. (1971). *Al-Mathal al-Sa'ir fi Adab al-Katib wa al-Sha'ir*. Dar Nahdat li al-Tiba'ah wa al-Nashr wa al-Tawzi'.
- Ibn al-Zubayr, A. i. I. (2007). *Al-Burhan fi Tanasub Suwar al-Qur'an*. Dar Ibn al-Jawzi.
- Ibn Arabi, M. i. A. (1990). *Rahmah min al-Rahman fi Tafsir wa Isharah al-Qur'an*. Matba'at Nazar.
- Ibn Ashur, M. a.-T. (1999). *Tafsir al-Tahrir wa al-Tanwir*. Mu'assasat al-Tarikh al-Arabi.
- Ibn Faris, A. (1979). *Mu'jam Maqayis al-Lughah*. Dar al-Fikr.
- Ibn Manzur, M. i. M. (1994). *Lisan al-Arab*. Dar Sadir.
- Ibn Qutaybah, A. i. M. (1981). *Ta'wil Mushkil al-Qur'an*. Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.